

بررسی جواز مزارعه میان بیش از دو نفر

رضا علی کرمی^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۲/۳۰ - تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۰۳/۰۵)

چکیده

قرارداد مزارعه میان بیش از دو نفر، موضوعی اساسی در فعالیت‌های اقتصادی است که در این مقاله سعی خواهد شد موضوع بر اساس نگاه توسعه‌محور اسلام بررسی شود. در نوشتار حاضر دو دیدگاه موافق و مخالف در باب مزارعه میان بیش از دو نفر مطرح شده است که این مقاله دیدگاه موافق را با توجه به دلایلی مانند عمومات و اطلاقات کتاب و سنت و همچنین دلایل خاصی که در باب مزارعه ذکر شده‌اند، با روش توصیفی - تحلیلی تقویت می‌کند؛ زیرا اجتهاد پویا، موضوعیت خاصی در اداره جامعه دارد و اقتضا می‌کند که این عقد با توجه به مجموعه دلایل نقلی قوی، به دو نفر محدود نباشد و گستره‌ای فراتر از دو نفر را در بر گیرد. ادله روایی مخالف مزارعه میان بیش از دو نفر بر موارد غالبی حمل شده و ادله‌ای مانند توقیفی و ترکیب معامله از ایجاب قبول، بدون دلیل است که در مقابل عمومات کتاب، سنت و ادله خاصه باب مزارعه جایگاهی ندارد. در نهایت با توجه به نگرش توسعه‌محور فقه در فعالیت‌های اقتصادی، جواز مزارعه میان بیش از دو نفر را اثبات می‌کنیم.

واژه‌های کلیدی: عامل، فقه، مالک، متعاملین، مزارعه، مشارکت

Email: rezaa_karami@yahoo.com

۱. استادیار دانشگاه پیام نور

این تحقیق با استفاده از اعتبارات دانشگاه پیام نور انجام گرفته است.

مقدمه

«مزارعه» یکی از ابزارهای تحول اقتصاد اسلامی و کارکرد آن تولید ثروت، عمران و عدالت اجتماعی به دور از ربا و ثروت‌اندوزی نامشروع است؛ اقتصادی که بر اساس آموزه‌های عالی اسلامی شکل می‌گیرد و خودکفایی را در پی خواهد داشت. یکی از محدودیت‌هایی که بر سر راه این حکم فقهی قرار دارد، تعداد طرفین در عقد مزارعه است.

هدف اصلی در مقاله این است که با استفاده از منابع و نظریات فقه‌های بزرگ، به مدد استدلال‌های مبتنی بر منطق، مقوله مزارعه را بررسی کند. بررسی عقد مزارعه از یک سو و مشارکت بیش از دو نفر در قرارداد مزارعه از سوی دیگر، بحثی است که در این مقاله بر اساس دیدگاه‌های موافق و مخالف با تکیه بر ادله منابع دو طرف بررسی می‌شود و باور نگارنده این است که مزارعه میان بیش از دو نفر نیز در نظام فقهی پذیرفتنی است.

۱. کلیات و مفاهیم

۱.۱. مزارعه در لغت

«مزارعه مصدر باب مفاعله از «زرع»، به معنای کشت کردن با همدیگر است» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۸: ۱۴۱).

«المزارعة ... هي المعاملة على الأرض ببعض ما يخرج منها؛ مزارعه معامله‌ای است بر روی زمین در مقابل بخشی از آنچه دست می‌آید» (مغنیه، ۱۴۲۱، ج ۴: ۳۲۲). نیز مزارعه به معنای «کشتزار، جای پرورش جانوران آمده است» (خلیل جر، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۸۸۵) و به معنای کشتن و لازمه قرارداد مزارعه آن است که فعل از هر دو طرف واقع شود. لذا عمل از طرف عامل و واگذاری زمین از طرف مالک انجام می‌گیرد» (امامی، ۱۳۷۶، ج ۲: ۲۱۳).

۲.۱. مزارعه در اصطلاح

مزارعه، در اصطلاح «معامله‌ای است بر زمین به زراعت کردن به حصه معینه از نمای آن زمین و همکاری دو شخص برای مشارکت؛ به معنای زراعت کردن تنها از عامل است ... چون صاحب زمین سبب این زراعت می‌شود، لذا او هم مجازاً زارع شمرده شده است» (قزوینی، ۱۴۱۴: ۱۱۷).

«المزارعة هي معاملة على الأرض بحصة من حاصلها الى اجل معلوم (موسوی

خمینی، بی تا، ج ۱: ۱۵۱؛ مزارعه، معامله‌ای است بر زمین، در برابر سهمی از حاصل آن، تا مدت معلوم».

«مزارعه، معامله‌ای است که (عامل) زمین را به عوض حصه‌ای از حاصل آن کشت می‌کند، و عقدی است که به ایجاب از ناحیه صاحب زمین به هر لفظی شکل می‌گیرد؛ مانند به مزارعه دادم به تو؛ زمین را این مدت تسلیم کردم تا در برابر این حصه، آن را کشت نمایی و به قبولی از ناحیه کشت کار، با لفظی که آن قبول را فایده دهد» (موسوی خمینی، بی تا، ج ۶۳۸: ۱). بنابراین، معنای اصطلاحی مزارعه از معنای لغوی آن اخذ شده است. در معنای عرفی آن، به صاحب زمین مجازاً زارع گفته می‌شود و در معنای شرعی، ایجاب و قبول نیز به آن افزوده شده است.

۱. ۳. عامل در لغت

«عامل» در لغت تعریف‌های متعددی دارد: «و الْعَامِلُ: مَا عَمِلَ عَمَلًا مَا... قَدْ عَمِلَ الشَّيْءُ فِي الشَّيْءِ، أُحْدِثَ فِيهِ؛ عامل آن است که در شیئی تغییری ایجاد کند» (واسطی، ۱۴۱۴، ج ۱۵: ۵۲۳).

«و الْعَامِلُ: هُوَ الَّذِي يَتَوَلَّى أُمُورَ الرَّجُلِ فِي مَالِهِ وَ مَلِكِهِ وَ عَمَلِهِ (جزری، بی تا، ۳۰۰)؛ عامل کسی است که اجرای امور مالی، ملکی و کاری انسان را عهده‌دار می‌گردد» و «العامل.. رَبُّ الزَّرْعِ» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۸: ۳)؛ عامل (در زراعت) پرورش‌دهنده زرع است».

۱. ۴. عامل در اصطلاح

معنای اصطلاحی «عامل» با معنای لغوی آن چندان تفاوتی ندارد، جز اینکه در مورد هر عقدی، معنای عامل با عمل متناسب خواهد بود. عامل مزارعه، به کسی گفته می‌شود که زراعت بر زمین و اجرای تعهدات در قبال صاحب زمین را عهده‌دار خواهد بود.

۲. ضرورت و اهمیت مزارعه

با توجه به دسترسی بشر به فناوری، ماشین و ابزارآلات پیشرفته، توانایی انسان برای به‌کارگیری اراضی بیش از گذشته است. از این‌رو دقت و موشکافی در مزارعه شاید سبک زندگی توأم با اقتصاد اسلامی را به بار بنشاند. امروزه در ضرورت بررسی مزارعه بیش از دو نفر تردیدی نیست؛ زیرا لازمه زیر کشت بردن زمین‌های زیاد، سرمایه لازم،

نیروی انسانی کافی و ابزارآلات متناسب است که به شرکای متعدد نیاز دارد. پس یکی از دستاوردهای اثبات جواز مزارعه بیش از دو نفر، پویایی اقتصاد و اشتغال‌آفرینی بر پایه احکام اسلام است.

۳. تاریخچه بحث

مزارعه بین زارع و عامل از زمان رسول خدا (ص) مطرح شده؛ ولی این بحث به صورت بحث اختلافی از زمان علامه حلی مطرح بوده است که آیا اصل قرارداد مزارعه به دو نفر منحصر است یا بیش از دو نفر نیز می‌توانند رکن معامله قرار بگیرند.

۴. تبیین موضوع

برای روشن شدن بحث باید بدانیم که بعضی از علما برای تبیین محل نزاع، صورت‌های مختلفی را مطرح کرده‌اند که به صورت خلاصه به آن اشاره می‌کنیم: نویسندگان جواهرالکلام صورت‌های مختلف مشارکت بین صاحب ملک و کشاورز در عقد مزارعه را چنین برمی‌شمارد:

(الف) فقط زمین از یک نفر و بذر و کار بر زمین و سایر عوامل از فرد دیگر؛

(ب) زمین و بذر از شخصی و عمل از شخصی دیگر؛

(ج) زمین و عمل از یکی و بذر از شخصی دیگر (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۷: ۳۳).

اینکه مزارعه بین دو نفر باشد؛ یکی صاحب زمین و دیگری کسی که روی زمین کار می‌کند، قدر متیقن همه علماست و نیز در صحت مشارکت عامل با افراد دیگر در سهم خودش از درآمد و مشارکت کار در کشاورزی تردیدی نیست. بحث این است که آیا عقد مزارعه بیش از دو نفر جایز است یا خیر؟ به این معنا که مشارکت‌کنندگان در نفس عقد مزارعه بین دو، سه یا چهار نفر باشند؛ مانند اینکه زمین از یک نفر، کار از دومی، بذر از سومی، ماشین‌آلات یا ابزار شخم از چهارمی باشد؛ به شکلی که هر چهار نفر در عقد مزارعه شریک باشند. فقط مزارعه میان بیش از دو نفر در بین علما اختلافی است، که در ادامه به اقوال مخالف و موافق و ادله آنان می‌پردازیم.

۵. اقوال در مسئله

در جواز و عدم جواز مشارکت مزارعه بیش از دو نفر، دو قول وجود دارد:

۵. ۱. عدم جواز مزارعه میان بیشتر از دو نفر؛

۵. ۲. جواز مزارعه میان بیش از دو نفر

۵. ۱. نظریه عدم جواز و ادله آن

در میان قائلان عدم جواز، فقهای صاحب‌نامی وجود دارند. ابن‌ادریس اولین کسی است که در مزارعه به عدم جواز مشارکت بین بیش از دو نفر متمایل بوده است. ایشان می‌فرمایند: «سواء كان من أحدهما الأرض و البذر، و من الآخر العمل، أو من أحدهما الأرض، و من الآخر العمل و البذر» (حلی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۲۴۵) «در مزارعه بین اینکه بذر و زمین از یکی از دو نفر (مالک و عامل) و کار از دیگری یا زمین از شخصی و بذر و کار از شخص دیگر باشد، فرقی نیست». بعد از ابن‌ادریس، علامه حلی در قواعد، مشارکت بیش از دو نفر در مزارعه را محل اشکال دانسته است: «و فی صحّة کون البذر من ثالث نظر، و کذا لو كان البذر من ثالث و العوامل من رابع (حلی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۳۱۴)؛ در صحت اینکه (در مزارعه) بذر از سومی و عوامل از چهارمی باشد، اشکال است»؛ یعنی مشارکت در مزارعه بیش از دو نفر محل اشکال فرض می‌شود.

سپس شهید ثانی صریحاً عدم جواز مشارکت مزارعه بیش از دو نفر را مطرح کرده است: «قلو جعلاً معهما ثالثاً و شرطاً علیه بعض الأربعة، أو رابعاً كذلك، ففي الصحّة وجهان ... والأجود عدم الصحّة» (عاملی، ۱۴۱۳: ۲۸)؛ در صورتی‌که با صاحب ملک و عامل شخص سوم یا چهارمی به‌عنوان مجری مزارعه (همانند دو نفر مالک و زارع شریک) قرار بگیرند، در صحت و عدم صحت مزارعه دو قول است ... قول به عدم صحت نیکوتر است».

از فقهای معاصر، مرحوم حکیم در کتاب منهاج‌الصالحین به عدم صحت مزارعه بیش از دو نفر رأی داده است و می‌گوید: «فی جواز عقد المزارعة بین أكثر من اثنين بان تكون الأرض مثلاً من واحد، و البذر من آخر، و العمل من ثالث و العوامل من رابع، و هكذا قولان أقواهما عدم نعم إذا وقع العقد بین الجماعة علی النحو المذكور لم یبعد القول بصحته و لا تجری علیه أحكام المزارعة من حیث هی» (حکیم، ۱۴۱۰: ۱۴۶)؛ در جایز بودن عقد مزارعه بین بیش از دو نفر، مانند اینکه زمین از یکی و بذر از دیگری، کار از سومی، عوامل از چهارمی و همین‌طور (افرادی دیگری) نیز اضافه شوند؛ دو قول است: اقوی، قول به عدم جواز است؛ البته صحت تحقق چنین عقدی بین جماعتی بعید نیست؛ لذا نمی‌توان بر آن احکام مزارعه را بار نمود».

مرحوم خوئی می‌فرماید: «إذن فالصحيح في المقام هو ما ذهب إليه الشهيد في المسالك» (موسوی خوئی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۲۷۰)؛ قول صحیح همان قول است که شهید در مسالك برگزیده است. ایشان در کتاب دیگرش صریحاً به عدم جواز مشارکت بیش از دو نفر فتوا داده‌اند: «الأقوى عدم جواز عقد المزارعة بين أكثر من اثنين؛ (موسوی خوئی، ۱۴۱۰: ۱۰۷) جایز نبودن عقد مزارعه بین بیشتر از دو نفر قوت دارد». اشتراک عقد مزارعه بیش از دو نفر را بزرگانی چون خونساری و شیرازی محل اشکال دانسته‌اند و فقهای چون نایینی و بروجردی آن را جائز ندانسته‌اند و امام خمینی در این زمینه به احتیاط قائل بودند (طباطبایی، ۱۴۲۹، ج ۲۳: ۳۱۹)؛ حتی بعضی از علما گفته‌اند که جمع کثیری از فقها به عدم جواز مشارکت بیش از دو نفر در مزارعه قائل هستند: «قال كثير من الفقهاء لا تصح إلا بين اثنين» (مکی، ۱۴۱۰: ۱۸۱). بنابراین، عده‌ای از علما به عدم جواز مشارکت بیش از دو نفر در مزارعه قائلند؛ عده‌ای نیز بین جواز و عدم جواز مرددند و بعضی نیز در این باب ساکت.

۵. ۱. ۱. ادلة قائلان عدم جواز

برای عدم جواز مزارعه بین بیش از دو نفر قائلان به این مطلب، به ادله‌ای از کتاب و سنت و اصل استدلال کرده‌اند: شهید ثانی برای استدلال عدم جواز مزارعه بیش از دو نفر می‌فرماید: «هذا إذا كانا اثنين خاصة، فلو جعلنا معهما ثالثاً و شرطاً عليه بعض الأربعة، أو رابعا كذلك، ففي الصحة وجهان، من عموم الأمر بالوفاء بالعقد و الكون مع الشرط، و من توقف المعاملة - سيما التي هي على خلاف الأصل - على التوقيف من الشارع، و لم يثبت منه مثل ذلك ... و لأنّ العقد يتمّ باثنين موجب و هو صاحب الأرض و قابل، فدخل ما زاد يخرج العقد عن وضعه أو يحتاج إثباته إلى دليل و الأجود عدم الصحة [۶، ۲۸]؛ این در صورتی است که مزارعه بین دو نفر باشد، اگر شخص سوم یا چهارمی نیز به آن دو نفر اضافه شود و یکی از امور اربعه (زمین، بذر، کارگر و وسیله شخم) به عهده هر یک گذارده شود، در صحت و عدم صحت دو وجه وجود دارد: به مقتضای عموم وفای به عقد و «الْمُؤْمِنُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ» (مزارعه بین بیش از دو نفر صحیح است؛ از اینکه مزارعه از طرف شارع - به خصوص بین بیش از دو طرف خلاف اصل است - یکی اینکه توقیفی (بین دو نفر) است و بر بیش از دو نفر ثابت نشده و دیگر اینکه عقد به وسیله دو طرف یکی موجب صاحب زمین و دیگر قبول کننده تمام می‌گردد، اضافه کردن مازاد بر این دو طرف باعث خروج عقد، از وضع اولی

آن خواهد گردید که نیازمند به دلیل است، پس اجود عدم صحت مزارعه (در بیش از دو نفر) است».

توضیح استدلال

شهید ثانی دو دلیل بر صحت و دو دلیل بر عدم صحت مزارعه میان بیش از دو نفر ذکر کرده است:

۱. قرآن: به عموم «أَوْقُوا بِالْعُقُودِ» (مائده: ۱)؛ استدلال شده است؛ به این بیان که «عقود» عام است؛ شامل تمام عقدها از جمله عقد مزارعه بین بیش از دو نفر.
 ۲. عموم حدیث پیامبر (ص): «فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ الْمُؤْمِنُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ» (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۷۱). بر اساس روایت مروی از نبی مکرم اسلام «شروط» عام است؛ شامل هر شرطی از جمله شرط مزارعه بر بیش از دو نفر. بر اساس عموم این دو دلیل می‌توان گفت مزارعه بین بیش از دو نفر صحیح خواهد بود. بعد از ذکر این دو دلیل بر جواز مزارعه بین بیش از دو طرف، شهید ادله عدم صحت مزارعه بر بیش از دو طرف را ذکر کرده و نظریه عدم جواز را ترجیح داده است.

۱. مزارعه میان بیش از دو نفر بر خلاف اصل است؛ به این معنا که اصل در معامله بین‌الاثنینی است و مزارعه بین سه یا چهار نفر بر خلاف این اصل خواهد بود.
 ۲. معاملات به صورت بین‌الاثنینی از طرف شارع توقیفی بوده، خلاف این توقیفی بودن از طرف شارع دیده نشده است؛ پس نمی‌توان از آن تجاوز کرد.
 ۳. طبیعت عقد قوامش بر دو طرف موجب و قابل است که بین‌الاثنینی است، اضافه کردن بر مقتضای طبیعت عقد نیازمند دلیل خواهد بود.

۴. قصه خیبر: «و الأصل فی المزارعة قصة خیبر، و مزارعة النبیّ صلی الله علیه و آله الیهود علی أن یزرعوها و لهم شطر ما یخرج منها و له صلی الله علیه و آله شطره الآخر و لیس فیها أن المعاملة مع أكثر من واحد، و كذلك باقی النصوص التی وردت من طرقنا (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹: ۲۷)؛ اصل در مزارعه، قصه خیبر و جریان مزارعه پیامبر (ص) با یهود است که حضرت با آنان قرارداد کردند زمین‌های خیبر را بکارند و بخشی از درآمد آن مال یهود (زارع) و بخشی هم برای پیامبر (ص) باشد، در این خبر طرف معامله پیامبر در مزارعه یک نفر بیشتر نبوده است و مانند این روایت نصوص دیگری نیز از طریق شیعه روایت شده است». (از این داستان خیبر طرفداران جواز مزارعه در بین بیش از دو نفر برای مقصودشان استدلال کرده‌اند و گفته‌اند که طرف معامله پیامبر (ص) گروهی از یهودیان بوده‌اند و این یعنی که مزارعه میان بیش از دو نفر اتفاق افتاده

است؛ اما شهید ثانی این داستان را بر خلاف طرفداران جواز، دلیل بر مدعای خویش دانسته است؛ به این معنا که این داستان نشان می‌دهد که مزارعه بین‌الاثینینی بوده، بین پیامبر (ص) و یهودیان ساکن خیبر، نه بیشتر از دو طرف).

۵. ۱. ۲. روایات دیگر

به روایاتی هم استناد شده است که مزارعه بین دو نفر را مطرح کرده‌اند:

(الف) روایت سماعه: «قال: سألته عن المزارعة، قلت: الرجل يبذر في الأرض مائة جريب أو أقل أو أكثر طعاماً أو غيره، فيأتيه رجل فيقول: خذ مني نصف ثمن هذا البذر الذي زرعه في الأرض، و نصف نفقتك علي، واشركني فيه؟ قال: لا بأس، قلت: وإن كان الذي يبذر فيه لم يشتره بثمان وانما هو شيء كان عنده، قال: فليقومه قيمة كما يباع يومئذ، ثم ليأخذ نصف الثمن ونصف النفقة ويشاركة [۴۸، ۶]؛ سماعه می‌گوید: از امام جعفر صادق (ع) درباره مزارعه پرسیدم: شخصی صد جریب زمین یا کمتر یا بیشتر را چیزهای خوراکی و غیرخوراکی می‌کارد. پس از کاشت، کسی نزد او آمده، می‌گوید: بهای نصف بذری را که کاشته‌ای و نصف مخارجت را از من بگیر و در عوض مرا در این کشت، شریک نما. امام صادق (ع) فرمود: اشکال ندارد. عرض کردم: اگر صاحب بذر آن را خریده و آن را از قبل داشته باشد، حکم آن چیست؟ حضرت فرمود: آن را به قیمت روز قیمت می‌کند؛ نصف بهای آن و نصف هزینه‌اش را گرفته، وی را شریک می‌کند».

(ب) سماعه می‌گوید: «از امام صادق (ع) درباره مزارعه مسلمان و مشرک سؤال کردم: (مزارعه با این صورت واقع می‌شود) بذر و گاو از مسلمان و زمین و آب و خراج و کار، از کافر باشد. امام (ع) فرمود: اشکال ندارد» (طباطبایی، ۱۴۲۹، ج ۲۳: ۱۰۰۷).

بر اساس شواهد فوق، مزارعه با مشارکت دو نفر مطرح است؛ چون در روایت اول یک نفر زمین را کاشته و فرد دیگر می‌گوید: «واشركني فيه؛ من را شریک قرار بده» و در روایت دوم، سؤال از مشارکت کافر و مسلمان است که در هر دو صورت امام (ع) فرض مطرح در سؤال سائل را تجویز کرده‌اند، پس واضح است که مزارعه بین دو نفر است و طرفداران عدم جواز مشارکت مزارعه بین بیش از دو نفر به این روایات استدلال کرده‌اند. ادله عمده قائلان عدم جواز مشارکت بیش از دو نفر در مزارعه را ذکر کردیم. جواب‌هایی به این ادله داده شده است که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت:

۶. رد ادله قائلان عدم جواز

۶.۱. رد توقیفی بودن

اشکال صاحب حدائق: «ادعای توقیفی بودن تمام معاملات مبنی دستور خاص از طرف شارع مخالف روش فقهاست» (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۱: ۳۲۶). اگر بنا باشد عقود توقیفی و غیرتوقیفی از طرف شارع به دلیل خاصی نیاز داشته باشد، روش فقها در استنباط غالب احکام معاملات از اطلاقات و عمومات بر خلاف توقیفی بودن و خدشه‌پذیر خواهد بود، در حالی که چنین نیست.

۶.۲. رد ترکیب عقد از دو طرف

اشکال سید یزدی: «و دعوی: أن العقد لابد أن يكون بين طرفين موجب و قابل فلا يجوز تركبه من ثلاثة أو أزيد على وجه تكون أركاناً له مدفوعة بالمنع، فإنه أول الدعوى (طبائبي يزدی، ۱۴۱۹، ج ۵: ۳۱۹)؛ ادعای اینکه عقد مزارعه مرکب از موجب است و سه طرف یا بیشتر نمی‌تواند داشته باشد، پذیرفته نیست و این ادعا ممنوع است؛ زیرا (اینکه عقد مرکب از دو طرف موجب و قابل باشد) تازه اول مدعی (ادعای بدون دلیل) است». علما در توضیح این سخن گفته‌اند: «عقد می‌تواند مرکب از دو طرف یا بیشتر باشد؛ همان‌طور که در شرکت چنین است» (موسوی خویی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۴۲).

همچنین گفته‌اند: «اینکه عقد بین دو نفر، تمام و بین بیشتر از دو نفر، ناتمام باشد، صحت ندارد. اگر چنین باشد، در مشارکت که می‌تواند ده‌ها طرف داشته باشد، با مشکل مواجه خواهیم شد. اینکه مزارعه بیش از دو نفر به دلیل نیاز دارد، سخن خوبی است؛ اما لازم نیست تمام معاملات به نص خاص نیاز داشته باشد. اگر همه‌جا چنین باشد؛ اکثر معاملات دچار مشکل خواهد شد. پس (اوفو بالعقود) شامل مزارعه بیش از دو نفر می‌شود»^۱ (مغنیه، ۱۴۲۱، ج ۴: ۱۸۰).

به بیان واضح‌تر: «عقدها به حسب اطراف دخیل در معامله مختلف هستند: بعضی قائم به دو طرفند؛ مانند عقود تملیکی مثل بیع و اجاره. بعضی از نظر اطراف، دامنه‌ای

۱. «و يلاحظ بأنه ليس من الضروري إذا تم العقد بين اثنين أن لا يتم بين أكثر، و إلّا أشكل الأمر في الشركات التي تضم العشرات. أمّا الحاجة إلى الدليل فحق، و لكن ليس من الضروري أن يكون الدليل نصاً خاصاً على المعاملة بالذات، و إلّا أشكل الأمر في أكثر المعاملات. فيكفي لصحة المعاملة آية تجارة عن تراض، و للزومها آية: أَوْفُوا بِالْعُقُودِ».

بیشتر از دو طرف دارد؛ مانند عقد شرکت که با وجود شرکای متعدد، تصویر طرفین معامله در آن به معنای ایجاب از یک طرف و قبول از مجموع بقیه شرکا نیست و مزارعه از قبیل مشارکت در محصولات و سهام شدن در عوامل انتاج است. بنابراین، از تعدد اطراف عقد مانعی نخواهد بود ... اگر مراد از توقیفی این باشد که هر عقدی به دلیل خاص نیاز دارد، این گونه توقیفی بودن را عمومات ادله شامل می‌شود. اگر مراد از توقیفی این باشد که عقدهایی مثل مزارعه، مضاربه و مساقات بر خلاف اصل است، عمومات شامل این‌ها نمی‌شود و به دلیل خاص نیاز دارد؛ می‌گوییم از نظر مبنایی ما به اصالت باطل بودن عقود قائل نبوده، عمومات را شامل این عقود می‌دانیم و ثانیاً بر فرض قبول اصالت بطلان در این گونه عقود، در مزارعه دلیل‌های خاصی برای صحت مزاعه داریم (که در قسمت دلیل‌های طرفداران جواز مشارکت بین بیش از دو نفر) ذکر خواهد شد»^۱ (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶: ۱۵۲).

عمده‌ترین دلیل قائلان عدم جواز مشارکت بین بیش از دو نفر در مزارعه، یکی توقیفی بودن عقد مزارعه از طرف شارع و دیگری ترکیب از ایجاب و قبول است و لذا عمومات و اطلاقات ادله را شامل مشارکت بین بیش از دو نفر ندانسته‌اند. ماحصل جواب‌های فقها در برابر این استدلال‌ها چنین است که اولاً، تمام عقود توقیفی از طرف شارع به معنای داشتن دلیل خاص برای آن نیست، بلکه در بسیاری از موارد برای توقیفی بودن از طرف شارع، عمومات و اطلاقات کفایت می‌کند؛ پس عمومات و اطلاقات، مشارکت بیش از دو نفر را نیز شامل می‌شود. ثانیاً، ترکیب عقد از ایجاب و قبول، انحصار عقد را در یک موجب و یک قابل نمی‌رساند، بلکه می‌تواند به حسب مورد عقد، مرکب از دو، سه یا اطراف بیشتر مانند معاملات مشارکتی باشد و در عین حال ایجاب و قبول نیز بر آن صدق کند.

۱. «إنَّ العقود نفسها تختلف في ذلك، فبعضها سنخ عقود قائمة بطرفين كالعقود التمليكية نحو البيع والإجارة، وبعضها الآخر سنخ عقود تَسَعُّ أكثر من طرفين فيها كعقد الشركة حيث لا مانع فيه من تعدد الشركاء، ولا موجب لفرض الإيجاب من أحدهم والقبول من مجموع البقية لكي تغدو المعاملة اثنيّة الطرفين، والمزارعة من هذا القبيل فإنها - كما تقدّم - نحو شركة في المحصول ومساهمة في عوامل الإنتاج، فلا مانع من قابليتها لتعدد أطراف العقد فيها».

۳.۶. اشکال استناد به روایات

الف) قصه خیبر

صاحب حدائق «ادعای اینکه قصه خیبر، بیش از دو نفر را شامل نمی‌گردد، شگفت‌آور دانسته و از اخبار مستفیضه استفاده می‌کند که پیامبر (ص) زمین خیبر را در اختیار تمام کسانی از یهود که در آن ساکن بودند، قرار دادند، نه به یک یا دو شخص» (مصطفوی، ۱۴۰۲: ۳۴۲).

«با ملاحظه نصوص (اکرة،^۱ علوج)^۲ و قصه خیبر می‌توان به جواز مشارکت مزارعه بین بیش از دو نفر قطع پیدا کرد.^۳ صاحب جواهر بر خلاف شهید ثانی از قصه خیبر، جواز مشارکت بیش از دو نفر را در مزارعه استفاده کرد و آن را دلیلی برای مزارعه بین دو طرف دلیل ندانسته است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۷: ۳۳).

عده‌ای از فقها جریان مزارعه خیبر را از باب تعدد شرکا دانسته‌اند، نه از جنبه شراکت در اصل مزارعه که رکن عقد باشد؛ بلکه از باب اشتراک عاملان که تمام فقها، اشتراک عاملان را در مزارعه قبول دارند که اساساً از محل بحث خارج است (موسوی خویی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۴۲؛ حکیم، ۱۴۱۰: ۱۰۳) و در این فرض، با وجود مشارکت عامل با عاملان دیگر، عقد از دو طرف داشتن خارج نمی‌شود.

۴.۶. روایات

اشکال‌هایی بر روایات وارد است، از جمله اینکه روایت سماعه با روایات دیگری مثل روایت حلبی (که خواهد آمد) تعارض دارد؛ زیرا روایت حلبی عمومیت دارد، که در این صورت، هر دو دسته از روایات ساقط خواهند شد (موسوی خویی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۴۳). علمای دیگر گفته‌اند اینکه در این گونه روایات مزارعه بین دو نفر آمده است، برای بیان حصر نیست که مزارعه بیش از دو نفر را رد کند، بلکه برای بیان اقل اطراف عقد است؛

۱. الاکرة جمع اکار به معنای کشاورز است.

۲. علوج به کفار عجم یا مطلق کفار گفته می‌شود.

۳. «لا أن المراد عدم صحة وقوع المزارعة من أكثر من اثنين، بمعنى عدم جوازها من الشركاء في أرض مثلاً أو عدم جوازها لجماعة على وجه الشركة في عمل الزراعة، فإن ذلك لا يتصور منعه ممن له أدنى دربة، بل يمكن القطع به من ملاحظة نصوص الاکرة و العلوج و غیرهما، و قصة خیبر إنما هو من ذلك لا من محل الفرض الذي لا دليل على جوازه».

به این معنا که عقد به کمتر از دو طرف بنا نمی‌شود^۱ (اشتهاردی، ۱۴۱۷، ج ۲۸: ۲۵۸).

۷. قائلان به جواز و ادله آنان

۷.۱. قائلان جواز

مشهور فقها به جواز مزارعه بیش از دو نفر باور دارند. از زمان طرح این بحث، بیشتر فقهایی که این بحث را مطرح کرده‌اند، نظریه عدم جواز مزارعه بیش از چند نفر را رد و بر جواز مزارعه میان بیش از دو نفر استدلال کرده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۷: ۷۲۰) و اکثر محشیان عروه، مانند حکیم در مستمسک (حکیم، بی‌تا، ج ۱۳: ۱۰۳؛ موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۱: ۶۳۸) به جواز قائلند و از فقهایی در قید حیات، مکارم شیرازی و دیگران متعرض این بحث شده‌اند (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹، ج ۲: ۶۵۴).

۷.۲. ادله قائلان جواز

طرفداران جواز مزارعه بین بیش از دو نفر، به دلایل ذیل استناد کرده‌اند:

۷.۲.۱. عمومات و اطلاقات

«أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده: ۱)؛ «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ...» (نساء: ۲۹). سید یزدی آورده است: «لصدق المزارعة و شمول الإطلاقات، بل يكفي العمومات العامة» (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹، ج ۲: ۷۲۰)؛ عمومیت و اطلاق این دو آیه بر امضایی بودن هر معامله عقلایی دلالت دارد که یکی از آن عقود عقلایی مزارعه است.

۷.۲.۲. نصوص و ادله خاص باب مزارعه

قائلان به جواز مشارکت مزارعه میان بیش از دو نفر به روایاتی که به صورت خاص در باب مزارعه وارد شده است نیز استدلال کرده‌اند؛ از جمله:

۱. محمد بن مسلم قال: «سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَزَارَعَةِ وَ بَيَعَ السَّنِينَ قَالَ لَا بَأْسَ (حعاملی،

۱. «أنّ (دعوی) انه ليس في قصة خيبر ما يدل على جواز أكثر من الاثنين و كذا باقي النصوص، أو ان العقد يتم باثنين، بموجب و قابل (مدفوعة) أيضا بأن الاقتصار على اثنين لبيان أقل ما يتوقف على البيان لا للحصر باثنين، و ان تحقق العقد باثنين لأجل أقل ما يتوقف عليه أيضا لا لبيان عدم جواز أكثر منها كما لا يخفى».

۱۴۰۹، ج ۵: ۴۳). «از امام صادق (ع) از مزارعه و بیع سنین سؤال کردم؟ حضرت فرمود: جایز است».

۲. عن الحلبي عن أبي عبد الله، قال: «لَا بَأْسَ بِالْمُزَارَعَةِ بِالثُّلُثِ وَ الرَّبْعِ وَ الْخُمْسِ (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۵: ۲۶)؛ امام صادق (ع) فرمود: «مزارعه به یک‌سوم، یک‌چهارم و یک‌پنجم اشکال ندارد».

از اینکه در این دو روایت امام (ع) به صورت مطلق در باب معامله مزارعه‌ای فرموده است «لَا بَأْسَ» و این معامله را به دو طرف مقید نکرده است؛ از این اطلاق جواز مزارعه بین بیش از دو نفر به دست می‌آید.

هاشمی شاهرودی به این دو روایت اشکال کرده است و می‌گوید: «حدیث سماعه ناظر شیوه خاصی از مزارعه که در گذشته رایج بوده است، می‌باشد که از آن به بیع (سنین) یاد می‌شده است (فروش کالا به مدت یک سال / بیع سلف یا نسیه‌ای که کالا یا بهای آن ظرف سه سال یا بیشتر تحویل شود (نویسندگان، ۱۴۲۶: ۱۸۴). معامله به این شکل بوده است که مالک، در ابتدای سال زمین را تحویل می‌داده و پس از اتمام سال، با شرایط خاص آن را تحویل می‌گرفته است. روایت حلبی نیز ناظر به قبول کردن زمین در مقابل حصه‌ای (ثلث، ربع یا خمس) است تا از قبول زمین در مقابل گندم (از قسمت معین زمین) جلوگیری شود، چنانکه در حدیث دیگری از امام صادق (ع) آمده است: «لَا تَقْبَلُ الْأَرْضَ بِحِنْطَةٍ مَسْمَاةٍ، وَ لَكِنْ بِالنَّصْفِ وَ الثُّلُثِ وَ الرَّبْعِ وَ الْخُمْسِ لَا بَأْسَ بِهِ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، باب ۱۶)؛ «نباید زمین در مقابل گندم مشخص (از جای معین زمین) پذیرفته شود، ولی به صورت نصف، ربع و خمس جایز است». بنابراین، هر دو روایت ناظر به شکل خاصی از مزارعه است «فلا مجال لدعوى الاطلاق فى المقام» (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶: ۱۵۶). سپس ایشان به دو روایت کرخی و صفوان استدلال کرده‌اند:

۳. «عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْكَرْخِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَشَارِكُ الْعَلِجَ فَيَكُونُ مِنْ عِنْدِي الْأَرْضُ وَ الْبَذَرُ وَ الْبَقَرُ - وَ يَكُونُ عَلَى الْعَلِجِ الْقِيَامُ وَ السَّقْيُ وَ الْعَمَلُ فِي الزَّرْعِ حَتَّى يَصِيرَ حِنْطَةً أَوْ شَعِيرًا وَ تَكُونُ الْقِسْمَةُ - فَيَأْخُذُ السُّلْطَانُ حَقَّهُ وَ يَبْقَى مَا بَقِيَ - عَلَى أَنْ لِّلْعَلِجِ مِنْهُ الثُّلُثُ وَ لِيَ الْبَاقِي قَالَ لَا بَأْسَ بِذَلِكَ (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹: ۴۵)؛ ابراهیم کرخی می‌گوید:

از امام صادق (ع) از مشارکت با مشرک پرسیدم که زمین، بذر و گاو از من؛ کار، آبیاری و کشاورزی تا زمان ثمر دادن جو یا گندم از مشرک باشد و هنگام تقسیم، سلطان سهمش را اخذ می‌کند و باقی به این صورت، یک‌سوم برای مشرک باشد و باقی از آن من. حضرت فرمود: اشکال ندارد».

۴. «عَنْ صَفْوَانَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ لَهُ الْأَرْضُ مِنْ أَرْضِ الْخَرَاجِ فَيَدْفَعُهَا إِلَى الرَّجُلِ عَلَى أَنْ يَعْمُرَهَا وَيُصْلِحَهَا وَيُؤَدِّيَ خَرَاجَهَا وَمَا كَانَ مِنْ فَضْلٍ فَهُوَ بَيْنَهُمَا قَالَ لَا بَأْسَ (طوسی، ۵۴۲: ۱۴۰۷)؛ یعقوب بن شعیب می‌گوید: از امام صادق (ع) در مورد کسی پرسیدم که از زمین‌های خراجی در اختیارش بوده است و به کسی می‌دهد تا پس از آباد کردن و اصلاح (کشت) خراجش را بپردازد و باقی‌مانده درآمد، بین دو نفر تقسیم شود، حضرت فرمود: اشکال ندارد».

در این دو روایت در جواز مزارعه بیشتر از دو نفر تصریح شده، با این بیان که اینجا مزارعه سه‌طرفه است:

۱. مالک زمین مسلمانان یا ولی مسلمانان (سلطان)؛

۲. مالک بذر؛

۳. عامل.

استدلال به این دو روایت را با پاسخ به اشکال‌های ذیل در جواز مزارعه بین بیش از دو نفر تمام دانسته‌اند:

۱. یکی از اشکال‌های وارد بر این دو روایت چنین است که امکان دارد اخذ سلطان از باب اجاره باشد نه مزارعه؛ به این معنا که زمین را در مقابل هزینه‌ای اجاره دهد و هنگام برداشت محصول، سلطان سهمش را دریافت می‌کند و این با محصول ارتباطی ندارد تا بحث مزارعه مطرح شود.

در پاسخ می‌توان گفت که در صحیحه کرخی آنچه سلطان می‌گیرد، در طول قسمت و در صحیحه یعقوب بن شعیب آنچه سلطان اخذ می‌کند، در طول عمران (آبادانی و کشت) آمده است. سلطان از محصول به‌عنوان یک طرف معامله در کشت اخذ می‌کند (نه از باب اجاره) و این امر در روایت کرخی به‌وضوح مشاهد می‌شود (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶: ۱۵۷؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۷: ۳۴).

۲. هرچند که این دو روایت به مزارعه تصریح دارد، اما شاید به دو مزارعه در طول هم ناظر باشد، نه مزارعه با اطراف سه‌گانه در عرض هم، به این معنا که یک مزارعه بین سلطان و شخص اخذکننده زمین باشد و مزارعه دیگری بین گیرنده زمین با زارع باشد؛ در این صورت جواز زراعت بین سه نفر در عرض هم ثابت نخواهد شد.

جواب اشکال دوم این است که احتمال مزارعه به‌صورت عرضی وجود دارد؛ با مراجعه به روایت کرخی، این احتمال از بین می‌رود، زیرا این روایت ظهور در تقسیم (محصول) به صورت عرضی بین سلطان و بقیه دارد؛ ثانیاً، بر فرض پذیرش طولیت، باز هم این

طولیت بازگشتش به مزارعه دارای اطراف عرضی خواهد بود؛ به این معنا که مزارعه مانند اجاره نیست که در آن تملیک و تملک بین دو طرف به مجرد قرارداد اجاره به صورت فعلی باشد و اساساً سه طرف در آن امکان ندارد، بلکه مزارعه (قبل از تملیک و تملک) مشارکت بین سه طرف را در پی خواهد داشت و اساساً طولیتش زمانی است نه رکنی. در مقابل اجاره که طولیت به صورت دوطرفی و رکن اجاره است. بنابراین، هر چند که در این دو روایت، سلطان در طول دو طرف مزارعه مطرح شده است، باز هم می‌گوییم که این طولیت بازگشتش به عرضیت و در عرض بودن سلطان خواهد بود (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶: ۱۵۹).

چون در هر دو روایت، سه طرف سلطان، کسی که زمین را از سلطان اخذ کرده است (مالک بذر) و زارع وجود دارند؛ پس جواز مزارعه میان بیش از دو نفر به صراحت از این دو روایت به دست می‌آید.

اگر اشکال ایشان را بر دو روایت محمد بن مسلم و حلبی بپذیریم، همان اشکال بر دو روایت کرخی و یعقوب بن شعیب نیز وارد خواهد بود؛ به این بیان که روایت کرخی به جواز مزارعه بین مسلمان و مشرک و روایت یعقوب بن شعیب به جواز مزارعه بر ملک غیر (زمین خراجی) ناظر است. پس از پذیرش این کبرای کلی که مزارعه، معامله عقلایی محسوب می‌شود و شارع از آن منعی نکرده است، دلیل مزارعه بین بیش از دو طرف اتصالات و عمومات کلی فقه و اتصالات باب مزارعه است که امضای شارع بر معامله عقلایی محسوب می‌شود. با این حساب حتی با عدم پذیرش ادله خاصه نیز جواز مزارعه بیش از دو نفر اثبات می‌شود.

در مجموع، ادله قائلان جواز موافق کتاب، سنت و عقل است؛ زیرا ادله طرفداران عدم جواز مزارعه بیش از دو نفر به دو دسته تقسیم‌پذیر است: ادله فقهاتی و اجتهادی. ادله اجتهادی که ذکر کرده‌اند، روایاتی ناظر بر مزارعه بین دو طرف هستند. این روایات با توجه به اتصالات و عمومات حمل بر موارد غالبی می‌شود؛ زیرا بر اساس پرسش‌های مطرح‌شده، غالب مزارع میان دو طرف بوده است و این امر را نمی‌توان دلیل بر ضیق کردن دایره مزارعه ذکر کرد. از طرفی ادله‌ای مانند توقیفی بودن و ترکیب از ایجاب و قبول، بدون دلیل خاص است که اگر به عنوان ادله فقهاتی ذکر شوند، در مقابل عمومات، اتصالات و ادله خاص باب مزارعه، فاقد ارزش خواهد بود.

نتیجه‌گیری

از مقدمات فوق می‌توان به اهمیت «مزارعه» پی برد؛ زیرا زمینه‌های تحول اقتصاد سالم اسلامی و عدالت اجتماعی به دور از ربا و ثروت‌اندوزی مشروع را مهیا می‌کند. این مقدار که مزارعه بین دو نفر انجام گیرد (یکی صاحب زمین و دیگری کسی که کار بر روی زمین را انجام می‌دهد) قدر متیقن و مقبول همه علماست و نیز در صحت مشارکت عامل با افراد دیگر، در سهم خودش از درآمد و کار در کشاورزی تردیدی نیست. بحث این است که آیا عقد مزارعه بین بیشتر از دو نفر جایز است یا خیر؟ در این باب دو قول مطرح را بررسی کردیم؛ قائلان به عدم جواز مزارعه بیشتر از دو نفر و قائلان به جواز مزارعه بیشتر از دو نفر.

الف) در میان قائلان به عدم جواز، فقهای صاحب‌نامی وجود دارند؛ از جمله ابن‌ادریس و بعد از او علامه حلی که در قواعد مشارکت، مزارعه بیش از دو نفر را مردود دانسته‌اند. سپس شهید ثانی صریحاً عدم جواز مشارکت مزارعه بین بیش از دو نفر را مطرح کرده است. از متأخرین، فقهای چون حکیم، خویی، خونساری، شیرازی، نایینی و بروجردی آن را جایز ندانسته‌اند و امام خمینی به احتیاط است و عده‌ای نیز بدون اظهارنظر از کنار آن گذشته‌اند.

قائلان عدم جواز مزارعه بین بیش از دو نفر، به ادله‌ای از کتاب، سنت و اصل استدلال کرده‌اند، از جمله شهید ثانی بر این باور است که «مزارعه» از طرف شارع توقیفی (بین دو نفر) است؛ زیرا از طرف شارع، مزارعه بر بیش از دو نفر ثابت نشده و مازاد بر آن خلاف اصل است و برای اینکه عقد توسط دو طرف، یکی موجب که صاحب زمین است و دیگری قبول‌کننده تمام می‌شود، اضافه کردن مازاد بر این دو طرف، سبب خروج عقد از عقدبودن می‌شود. فرضاً که عقد هم باشد، به استدلال نیاز دارد. پس نیکوتر، عدم صحت مزارعه (در بیش از دو نفر) است.

ب) قائلان جواز و ادله آنان

مشهور فقها به جواز مزارعه بیش از دو نفر قائل هستند. از زمان طرح این بحث، اکثر فقهای که آن را مطرح کرده‌اند، نظریه عدم جواز مزارعه بیش از چند نفر را رد و بر جواز مزارعه بیش از دو نفر استدلال کرده‌اند. صاحب جواهر، سید یزدی و غالب محشیان عروه، مانند حکیم در مستمسک و امام خمینی به جواز قائلند و از فقهای در قید حیات، آقایان مکارم شیرازی، هاشمی شاهرودی و دیگران متعرض این بحث شده‌اند و عقد مزارعه را به بیش از دو نفر مجاز دانسته‌اند.

قائلان جواز مزارعه بین بیش از دو نفر، به دلایل ذیل استناد کرده‌اند:
 الف) آیات قرآن: «أَوْقُوا بِالْعُقُودِ» و «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ».

عمومیت و اطلاق این دو آیه بر امضای معاملات عقلایی دلالت دارد که یکی از آن عقود عقلایی مزارعه است.

ب) روایات: قائلان جواز مشارکت مزارعه بیش از دو نفر، به روایاتی استدلال کرده‌اند که به صورت خاص در باب مزارعه وارد شده است؛ مانند روایات محمدبن مسلم و حلبی که در متن مقاله به آنها اشاره کردیم. از اطلاق آیات و روایات به این نتیجه می‌رسیم که مزارعه به دو طرف مقید نیست و بیش از آن را نیز شامل می‌شود.

منابع

- [۱]. قرآن کریم.
- [۲]. ابن منظور، ابوالفضل (۱۴۱۴ ه.ق). لسان العرب، جلد ۸، چاپ سوم، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزيع.
- [۳]. امامی، سید حسن (۱۳۷۶ ه.ش). حقوق مدنی، جلد ۲، تهران انتشارات اسلامی.
- [۴]. بحرانی، یوسف (۱۴۰۵ ه.ق). الحقائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، جلد ۲۱، چاپ اول، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۵]. جزری، ابن اثیر، مبارک بن محمد (بی تا). النهاية فی غریب الحديث و الأثر، چاپ اول، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- [۶]. حرّ عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ ه.ق). وسائل الشیعة، جلد ۵ و ۱۹، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت.
- [۷]. حکیم، سید محسن (۱۴۱۰)، منهاج الصالحین، چاپ اول، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- [۸]. حلی، ابن ادریس (۱۴۱۰ ه.ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، جلد ۲، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
- [۹]. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۳ ه.ق). قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- [۱۰]. خلیل جر، حسن (۱۳۶۵ ه.ش). طبیان، فرهنگ لاروس، جلد ۲، ایران، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- [۱۱]. عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ ه.ق). مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، چاپ اول، قم، مؤسسه المعارف الإسلامية.

- [۱۲]. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۱۹ ه.ق). العروة الوثقی (المحشّی)، جلد ۲ و ۵، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۱۳]. -----، سید محمد کاظم (۱۴۲۸ ه.ق). العروة الوثقی مع التعليقات، چاپ اول، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- [۱۴]. طباطبایی، بروجرودی، آقا حسین (۱۴۲۹ ه.ق). منابع فقه شیعه، جلد ۲۳، تهران، انتشارات فرهنگ سبز اول.
- [۱۵]. ----- (بی تا). مستمسک العروة الوثقی، چاپ اول، قم، مؤسسه دارالتفسیر.
- [۱۶]. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ ه.ش). تهذیب الأحکام، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامية.
- [۱۷]. ----- (۱۳۶۵ ه.ش). تهذیب، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- [۱۸]. عمیدی، سید عمیدالدین (۱۴۱۶ ه.ق). کنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۱۹]. قزوینی، ملاعلی (۱۴۱۴ ه.ق). صیغ العقود و الإیقات محشی ایران، چاپ اول، قم، انتشارات شکوری.
- [۲۰]. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ ه.ق). اصول کافی، جلد ۵، چاپ اول، قم، دارالحديث للطباعة و النشر.
- [۲۱]. مصطفوی، حسن (۱۴۰۲). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ اول، تهران، مرکز الكتاب للترجمة اول.
- [۲۲]. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۱). فقه الإمام الصادق علیه السلام، جلد ۴، چاپ دوم، قم، مؤسسه انصاریان.
- [۲۳]. مکی، محمد بن مکی (۱۴۱۰ ه.ق). اللمعة دمشقیه فی فقه الامامیه، لبنان، دارالتراث.
- [۲۴]. موسوی خمینی، روح الله (بی تا). تحریر الوسیله، جلد ۱، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
- [۲۵]. موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۰۹ ه.ق). مبانی العروة الوثقی، جلد ۱ و ۲، چاپ اول، قم، منشورات مدرسه دارالعلم.
- [۲۶]. ----- (۱۴۱۸ ه.ق). موسوعة الإمام الخوئی، چاپ اول، قم، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی.
- [۲۷]. ----- (۱۴۱۰ ه.ق). منهاج الصالحین، قم، مدینه العلم.
- [۲۸]. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ ه.ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، جلد ۲۷، چاپ هفتم، بیروت، دارالإحياء التراث العربی.
- [۲۹]. نویسندگان (۱۴۲۶). فرهنگ فقه، ج ۲، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.
- [۳۰]. واسطی، محب الدین، سید محمد مرتضی (۱۴۱۴ ه.ق). تاج العروس من جواهر القاموس، جلد ۱۵، چاپ اول، بیروت، دارالفکر.
- [۳۱]. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۲۶ ه.ق). بحوث فی الفقه الزراعی، چاپ اول، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.